

ترویج کشاورزی در مالزی

مهندس حسن علیپور

مقدمه:

کشور مالزی پس از استقلال از استعمار انگلستان در سال ۱۹۵۷، برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی را به عنوان اهداف والای ملی و ابزار عمده استقلال با جدیت و توانمندی تمام پیگیری نموده است. مالزی در جنوب شرقی آسیا واقع شده و طبق آمار سال ۱۹۹۰ جمعیت آن ۱۸ میلیون نفر می باشد و رشد جمعیت آن ۲/۶ درصد می باشد. حدود ۶ میلیون نفر از جمعیت مالزی را کشاورزان تشکیل می دهند. طبق آمار سازمان خواروبار جهانی، حدود ۶۸ درصد روستاییان آن باسواد می باشند. سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی، حدود ۱۸ درصد در سال ۱۹۹۰ بوده است. مالزی بزرگترین کشور تولید کننده کائوچو، نخل روغنی و آناناس می باشد. تولیدات دامی این کشور شامل: گوشت گاو، گوسفند، خوک، تخم مرغ و شیر می باشد که نسبت به سالهای قبل افزایش یافته است. کل زمینهای قابل کشت مالزی، حدود ۱۴ میلیون هکتار می باشد. بخشهای کشاورزی مالزی را می توان بصورت زیر تقسیم نمود: کشاورزان برنجکار،

خرده کشاورزان تولید کننده نارگیل، خرده کشاورزان تولید کننده نخل روغنی، کشاورزان تولید کننده دیگر محصولات زراعی و باغی، ماهیگیران و کارگران کشاورزی مزارع بزرگ. از کل خانوارهای کشاورز، کشاورزان تولید کننده کائوچو، بیشترین تعداد خانوارهای کشاورزان را تشکیل می دهند.

میزان فقر در میان کشاورزان برنجکار و خرده پای تولید کننده کائوچو و نارگیل بالا است و با توجه به میزان بالای شاخصهای فقر در بخش کشاورزی، دولت مالزی سیاست جدید اقتصادی (New Economic Policy) را در جهت تعدیل و از میان برداشتن فقر، تسریع فرآیند مشارکت بیشتر اقشار فقیر، افزایش درآمد ملی مالزی معرفی نمود. برای رسیدن به این اهداف، تسریع دگرگونی فن آوری در میان کشاورزان خرده پا، مدرنیزاسیون طرز عمل کشاورزی، تجاری کردن کشاورزی، بهره وری بالا در مدیریت و عملکردهای بیشتری برای فشرده کردن و تنوع بخشیدن به کشاورزی ملی پیش بینی شده بود. در کنار توجه به ساختن زیربنای اقتصادی، اجتماعی و کمکهای مالی و اعتبارات و تسهیلات

بازاریابی، توجه ویژه ای به توسعه منابع انسانی مبذول شده بود و بدین طریق، ترویج کشاورزی به عنوان یک عامل حیاتی و اثربخش برای توسعه کشاورزی منظور گردید.

فلسفه و اهداف ترویج در مالزی:

فلسفه ترویج در مالزی، براساس مفهوم کمک به مردم است؛ تا آنها خودیاری شوند و به یکدیگر کمک کنند. ترویج از طریق آموزش با انتشار فن آوری و افکار به مردم روستایی کمک می کند که وضعیت مزرعه و خانه و اجتماع را بهبود دهند. وظیفه ترویج فقط انتقال فن آوری به کشاورزان نیست و این مفهوم نمی تواند تمام مشکلات روستاییان را حل کند. بنابراین، ترویج می بایست با یک رهافت هماهنگی کار کند. در واقع، وظیفه ترویج این است که توانائیهای مردم روستایی را بالا ببرد تا بتوانند تصمیم منطقی در زمینه مشکلات، نیازها و راههای بهبود سطح زندگی شان را از طریق به کارگیری بهینه از منابع داشته باشند.

وضع موجود ترویج کشاورزی مالزی:

ترویج کشاورزی مالزی از طریق سازمانها و نظامهای گوناگونی انجام می گیرد که بسیاری از آنها در دو دهه گذشته تأسیس و یا از نو سازماندهی شده اند. هر کدام از این سازمانها، دارای نوعی سازماندهی و وظایف

ترویجی بوده و رهیافتهای آنها باهم متفاوت است. در مالزی، علاوه بر بخش کشاورزی نهاد‌های گوناگونی از جمله بخش شیلات، دامپزشکی، سازمان کشاورزان، سازمان ملی توتون، ستاد توسعه کشاورزان صنایع کوچک کائوچو و ستاد توسعه کشاورزان مواد می‌باشد که هر کدام عملکردهای ترویجی، محتوا، روشها و سیاستهای ویژه خود را دارند که به قول یکی از کارشناسان ترویجی مالزی، می‌توان در سطح ملی رهیافت تقسیم شده نامید. در سال ۱۹۰۵، سازمان ترویج کشاورزی مالزی همزمان با تأسیس اداره کشاورزی به منظور تحت پوشش قرار دادن کل بخش کشاورزی ایجاد گردید. در حال حاضر، ترویج کشاورزی تحت تأثیر ماهیت دوگانه بخش کشاورزی قرار دارد که از یک طرف، کشاورزان خرده‌پا را دربرمی‌گیرد و از طرف دیگر، نظامهای بهره برداری بزرگی را شامل می‌شود که خدمات ترویجی و نهاده‌های خود را از طریق کارخانجات مربوط به کشاورزی، اتاقهای بازرگانی، کشت و صنعت‌ها و کارخانجات کود و سموم شیمیایی دریافت می‌کنند.

ارائه خدمات ترویجی برای کشاورزان معمولی و خرده‌پا، (ماهگیران و دامداران) از طریق سازمانهای گوناگون مشارالیه انجام می‌گیرد. یکی از ویژگیهای مهم ترویج مالزی، این است که ارائه خدمات ترویجی براساس قانون اساسی مالزی بر عهده ایالتها می‌باشد و این در حالی است که پژوهشها و دیگر حمایت‌های فنی جزو وظایف دولت فدرال است. این به آن معنا نیست که دولت فدرال هیچگونه وظیفه‌ای از نظر تأمین کمک مالی و پرسنلی برای خدمات ترویجی ایالتها نداشته باشد. این تقسیم وظایف را می‌توان به بهترین صورت ممکن

در بخش کشاورزی مشاهده نمود. اما این موضوع در واقع تا حد زیادی سازماندهی کنونی، تأمین مالی، مدیریت و کنترل مروجین را تعیین می‌کند و در این رابطه، می‌توان نابرابری بین ایالت‌های مختلف از نظر کم و کیف پرسنل و وسایل و امکانات ترویجی را مشاهده نمود. در حال حاضر، بخش کشاورزی در دو سطح سازماندهی شده که عبارتند از:

۱) بخش کشاورزی در سطح فدرال: که ارائه خدمات فنی و برنامه‌ریزی و حمایت بخش کشاورزی ایالتها را بعهده دارد و همچنین، وظیفه برقراری ارتباط با نهادهای پژوهشی بر عهده این بخش می‌باشد.

۲) بخش کشاورزی در سطح ایالت: که خدمات ترویجی و توصیه‌های فنی لازم از طریق آموزشهای برنامه‌ریزی شده و بازدید از مزارع و همچنین توسط مراکز آموزش کشاورزی روستایی را به کشاورزان ارائه می‌دهد.

سیر عملکردهای ترویجی مالزی:

عملکردهای ترویجی در دهه ۱۹۴۰، تحت عنوان تبلیغات آموزشی مطرح می‌شد. در مراحل توسعه کشاورزی، عملکردهای ترویج کشاورزی بر روی محصولات عمده‌ای مانند کائوچو و برنج متمرکز بود. مدتی بعد ادارات و سازمانهای تخصصی تشکیل گردید که هر کدام مسئولیت ایجاد زیربخشهای مختلف را برعهده داشتند. هر کدام از این ادارات تشکیلات ترویجی ویژه‌ای را همزمان با پژوهشها، تأمین نهاده‌ها، بازاریابی و دیگر عملکردهای خدماتی ایجاد کردند و سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، شاهد گسترش و تنوع سازمانها و بنگاههای مختلف بود. همانطوری که در بالا ذکر شد، علاوه بر سازمانهای

دامپزشکی، کشاورزی و شیلات، سازمانهای تخصصی تری نیز وجود دارند که بیشتر آنها دارای سازماندهی و عملکردهای ترویجی مخصوص به خود می‌باشند. در دهه ۱۹۵۰، چندین سیاست کشاورزی به بخش کشاورزی ارائه گردید که سیاستهای کشاورزی در زمینه تنوع بخشیدن به تولیدات، افزایش تولیدات و رسیدن به خودکفائی بود. در این دهه، در مراحل اولیه توسعه عملکردهای ترویجی آموزش از طریق مروجین انجام می‌شد. با توجه به هزینه‌های بالای روشهای انفرادی، بتدریج روشهای گروهی مورد توجه قرار گرفت که می‌توانست گروهی وسیع از کشاورزان را تحت پوشش قرار دهد. در دهه ۱۹۶۰، بخش کشاورزی، تشکیل انجمنهای کشاورزی را بصورت وسیعی عملی نمود و در حال حاضر، بعنوان سازمانهای چندمنظوره ضمن انتقال فن‌آوری نوین کشاورزی از طریق خدمات ترویجی اعضای خود را در تمام زمینه‌های کشاورزی در یک منطقه معین یاری می‌کند. در دهه ۱۹۸۰، ترویج کشاورزی بعنوان یک رهیافت جامع و کلی مورد توجه و تأکید قرار گرفت که عملکردهای مربوط به توسعه روستایی کشاورزی و عناصر آن در یک برنامه هماهنگ ادغام گردید. بخش کشاورزی با کمک منابع مالی بین‌المللی اقدام به ایجاد واحد ارتباطی ترویجی (Extension Unit ELU) نمود تا بتواند به اهداف خود جامه عمل بپوشاند. همچنین به ایجاد طرحهای ملی ترویجی پرداخت که هدف آنها تقویت خدمات ترویجی کشاورزی بود که هم اکنون این سیاست در وزارت کشاورزی ادامه دارد. بخش کشاورزی اوایل دهه ۱۹۸۰، با کمک سازمانهای بین‌المللی و در چارچوب طرحهای ملی ترویجی، رهیافت ترویجی آموزش و دیدار را در قالب سازماندهی خود

پیاده می‌کند. لازم به ذکر است که در حال حاضر، تعداد کارکنان ترویجی مالزی ۱۲۰۰۰ نفر با تحصیلات دیپلم و بالاتر از آن می‌باشد.

رابطه پژوهش - ترویج:

همانطور که قبلاً ذکر شد، سازمانها و نهادهای گوناگونی در عملکردهای ترویجی دخالت دارند و همینطور یافته‌های سازمانهای پژوهشی به سازمانهای ترویجی مربوط می‌شود.

اولین نهاد مرتبط با پژوهش کشاورزی، سازمان پژوهشی کائوچو بود که در سال ۱۹۵۲ تأسیس گردید. در آن زمان، پژوهش مربوط به محصولات دیگر از طریق نهادهای دیگر نظیر بخش کشاورزی (در زمینه محصولات زراعی)، سازمان دامپزشکی (در زمینه امور دام) و سازمان شیلات انجام می‌گرفت. در سال ۱۹۶۹، سازمان پژوهش و توسعه کشاورزی مالزی^(۱) بامسئولیت انجام پژوهشهای علمی، فنی، اقتصادی و اجتماعی در باره امور مربوط به تولید، استفاده و تبدیل کلیه محصولات زراعی (غیر از کائوچو) دامی و آبزیان ایجاد گردید. در حال حاضر، علاوه بر سازمان فوق‌الذکر، نهادهای گوناگون و دانشگاهها و شرکتهای خصوصی نیز در زمینه‌های مربوط به پژوهشهای کشاورزی فعالیت دارند. در رابطه با دام و آبزیان، یافته‌های پژوهشی مؤسسه پژوهشهای کشاورزی مالزی از طریق سازمان دامپزشکی به دامداران منتقل می‌گردد.

در حال حاضر، هماهنگی بین ترویجی و پژوهش از طریق بخش کشاورزی فدرال^(۲) انجام می‌گیرد. این ارتباط و هماهنگی کاری در جهت پیشبرد و تسریع انتقال و اشاعه یافته‌های پژوهشی به جامعه کشاورزی صورت پذیرفته است. این قبیل ارتباطها که برنامه ریزیها را در جهت نیازهای

بخش کشاورزی سوق می‌دهد. در حال حاضر به علت موازی بودن مسئولیتها، سازمانهای پژوهشی و ترویجی تمایل دارند که گروههای هدف خود را مطابق با محصول مورد نظر انتخاب نمایند و این امر به تقسیم جامعه کشاورزی به گروههای هدف براساس کالای کشاورزی منجر می‌گردد. بنابراین، می‌توان به راحتی تصور نمود که چگونه کشاورزان از نظر عکس‌المعمل به اطلاعات، توصیه‌ها، دستورالعملها و سیاستهایی که توسط سازمانهای گوناگون ترویجی - پژوهشی به آنها ارائه شده تحت فشار و دچار سردرگمی می‌شوند. اما مطلبی که درک نمی‌شود این است که این سازمانها بدون در نظر گرفتن شرایط و نیازهای همه جانبه کشاورز و اقتصاد ملی و اعمال فشار بر وقت و منابع کشاورزی بسا یکسردیگر بسه رقابت می‌پردازند. (م، ص ۵، ص ۱۴۲)

سیاستهای آینده ترویج مالزی:

دولت مالزی سیاست کشاورزی ملی را در فاصله ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۰ آغاز نموده است. در حیطه ترویج سیاست ملی، گسترش و توسعه یک ارتباط تخصصی و کارآمد را بین تولیدکنندگان فن‌آوری و دریافت‌کنندگان آن از طریق بنگاههای ترویجی مورد تأکید قرار داده است. این سیاست تأکید بر آن دارد که خدمات ترویجی در حکم ارتباط مهمی بین پژوهشگران و کشاورزان از لحاظ پذیرش فن‌آوریهای نوین و ارائه بازخورد مناسب به شمار می‌رود. این سیاست همچنین به تخصص‌گرایی در کار ترویج در زمینه‌های گوناگونی از جمله تولید و عرضه سطوح گوناگون نیازمند است که موضوعات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فن‌آوری را

در دهه ۱۹۵۰، چندین سیاست کشاورزی به بخش کشاورزی ارائه گردید که سیاستهای کشاورزی در زمینه تنوع بخشیدن به تولیدات، افزایش تولیدات و رسیدن به خودکفائی بود. در این دهه، در مراحل اولیه توسعه عملکردهای ترویجی آموزش از طریق مروجین انجام می‌شد.

تعداد کارکنان ترویجی مالزی ۱۲۰۰۰ نفر با تحصیلات دیپلم و بالاتر از آن می‌باشد.

در سال ۱۹۶۹، سازمان پژوهش و توسعه کشاورزی مالزی با مسئولیت انجام پژوهشهای علمی، فنی، اقتصادی و اجتماعی در باره امور مربوط به تولید، استفاده و تبدیل کلیه محصولات زراعی (غیر از کائوچو) دامی و آبزیان ایجاد گردید.

میزان فقر در میان کشاورزان برنجکار و خرده پای تولیدکننده کائوچو و نارگیل بالا است و با توجه به میزان بالای شاخصهای فقر در بخش کشاورزی، دولت مالزی سیاست جدید اقتصادی را در جهت تعدیل و از میان برداشتن فقر، تسریع فرآیند مشارکت بیشتر اقشار فقیر، افزایش درآمد ملی مالزی معرفی نمود.

همچنین می‌توان گفت که کاربری مظاهر خاص روستا در شهرها دلیلی بر این اهمیت است که فضای روستایی بسیار بارزتر از فضای شهری است. این قضیه را می‌توان با نگاه کردن به کاربریهای ارضی از جمله پارکها، کمربند سبز و باغ شهرها مشاهده نمود. البته این مسئله به ریشه‌یابی کلی و دقیق نیاز دارد که از حوصله این بحث خارج است و با توجه به مطالبی که مطرح شد، می‌توان گفت، بسیاری از مشکلات شهرنشینی را امروزه باید در درون روستاها جستجو کرد. لذا قبل از نیاز به برنامه‌ریزی شهری، به برنامه‌ریزی روستایی نیاز است تا بتوان روستاها را زنده نگه داشت و از مهاجرت گسترده و لجام گسیخته روستاییان به شهر جلوگیری نمود. به هر حال تثبیت مهاجرت -آن هم به شکل بحرانی آن- از مهمترین راه‌حلهای اولیه جهت حل مشکلات شهری است. به امید روزی که تعادل منطقه‌ای، روابط سالم و معقول بین شهرها و روستاها در سطح کشور عزیز ما، ایران برقرار شود و مشکلات عدیده‌ای را که هم اکنون در این عرصه‌ها مشاهده می‌شود، وجود نداشته باشد.

منابع و مآخذ:

- ۱- شکوهی، حسین، "دیدگاههای نو در جغرافیای شهری"، جلد اول، انتشارات سمت.
- ۲- شیعه، اسماعیل، "مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری"، دانشگاه علم و صنعت
- ۳- آسایش، حسین، "نگاهی تحلیل‌گرانه به عمران روستایی در ایران"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی.
- 4- Oglobalization: The persisting rural-urban question and the response of planning education, Farokh Afshar, Journal of Planning Education and Research 1994, Association of Collegiate schools of planning. University of Guelph Canada

در کل کشاورزی) به وجود آید تا از تفاوت در زمینه عملکردهای ترویجی بین ایالتها کاسته شود.

فهرست منابع:

- 1- Agricultural extension in Asia and the Pacific. Report of an APO study mission, 10th Juive, 1988, Tokyo, Japan.
- 2- Optimization of agricultural resource use in Asia and th Pacific. Report of an APO seminary, 18th, 25th may, 1991. Seoul, republic of Korea.
- 3- Group farming in Asia and the Pacific. Report of a stuey metting 20th-30th July, 1993, Tokyo, Japan.
- 4- Policies and programas for rural employment generation in Asia. Report of an APO seminar, 22 October 1992, Tokyo, Japan.

۵- بررسی نظامهای ترویج در کشورهای جهان، ستاد تدوین نظام ترویج معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۶.

پی نوشتها:

۱- سازمان پژوهش و توسعه کشاورزی مالزی Malaysian Agricultural Research And Development Institate (M.A.R.D.T.)

۲- بخش کشاورزی فدرال F.D.O.A.

بقیه از صفحه ۹۴

زاغه‌نشینی در اطراف و درون شهرها نیز از دیگر مسائل و مشکلات شهرنشینی در عصر حاضر است که با خیالی شدن و تخریب روستاها رابطه مستقیم دارد.

دربرمی‌گیرد. در نتیجه این سیاست، خدمات ترویجی بهبود یافته و صورت منطقی‌تری به خود می‌گیرد. (۴م-ص ۴)

مسائل و مشکلات ترویج مالزی:

۱) خدمات ترویجی برای زارعین خرده‌پا (از جمله ماهیگیران، دامپروران و دامداران) توسط نهادها صورت می‌گیرد و جایگاه کشاورزان خرده پا بقدری پیچیده شده است که اگر کشاورزی بخواهد مورد مشاوره قرار گیرد باید به دو یا چند نهاد گوناگون رجوع کند. ۲) نکته جالب دیگر در مورد ترویج اینکه مسئولیت ایالتی تحت اداره سرپرستی نظام قانونی مالزی است و این موضوع تا حد زیادی سازمانهای موجود دست اندرکار در امر سرمایه‌گذاری مدیریت و کنترل کارکنان ترویجی را تحت تأثیر قرار داده است و در نتیجه بین ایالات از نظر اقدامات کمی و کیفی تفاوت آشکاری به چشم می‌خورد.

۳) بیشتر نهادهایی که در توسعه کشاورزی فعالیت دارند، بصورت مستقل عمل می‌کنند و این نیاز احساس می‌گردد که هماهنگی بین اهداف و عملکردهای آنان بوجود آید.

پیشنهادهات:

- ۱- سیاستها در زمینه برنامه‌های ترویجی باید طوری طرح ریزی شوند که در آنها نقش و کارکرد نهادها مشخص و از هم تفکیک گردد.
- ۲- هماهنگی بین نهادهای گوناگون در زمینه برنامه‌ریزی و سیاستگذاری برای برنامه‌های توسعه و ترویج کشاورزی بوجود آید.
- ۳- با نظارت دولت مرکزی، کنترلی بر عملکردهای ایالتها در زمینه‌های ترویجی (و